

تصریح روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی پیر بوردیو

فردین محمدی^۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۰۷

چکیده

پژوهشگران علوم اجتماعی هنگام بهره‌گیری از روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی بوردیو با ابهاماتی از قبیل چگونگی شروع پژوهش، چگونگی تحلیل عادت‌واره، چگونگی بررسی منطق، هدف و موضع‌گیری عاملان اجتماعی و چگونگی رابطه منطق تبیین و روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی مواجه می‌شوند. در پژوهش حاضر، با تصریح این ابهامات زمینه‌های پژوهش‌های بوردیویی برای پژوهشگران تا حدودی هموار شده است. اینکه پژوهشگران پژوهشات مبتنی بر روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی خود را از چه سطحی شروع کنند و چگونه به تحلیل عادت‌واره، منطق، هدف و موضع‌گیری عاملان اجتماعی می‌پردازند، مهم‌ترین سؤالاتی است که پژوهش حاضر سعی دارد به آن‌ها پاسخ دهد. برای این منظور به آثار نظری و تجربی پی‌یر بوردیو و سایر اندیشمندان رجوع شد و با استناد به آن‌ها این ابهامات از بین رفت. نتایج پژوهش حاضر بیانگر این است که در زمینه نقطه شروع پژوهش ابتدا باید میدان مورد نظر از نظر مؤلفه‌های میدان تحلیل شود. سپس تبیین چگونگی وضعیت میدان در ارتباط با میدان قدرت تبیین می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد تحلیل عادت‌واره در میدان به دو شکل «تحلیل نوع و تیپولوژی عادت‌واره» و «تحلیل سطح (مقدار) عادت‌واره» امکان‌پذیر است. در راستای تصریح جایگاه منطق میدان، اهداف و موضع‌گیری عاملان اجتماعی نتایج پژوهش بیانگر این است که بررسی موارد مذکور در پژوهش‌های بوردیویی ضروری است و باید در سطح دوم روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی بررسی شود. در زمینه چگونگی رابطه منطق تبیین و روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی نیز نتایج نشان می‌دهد منطق تبیین و روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی بر یکدیگر منطبق هستند و تنها نقطه شروع آن‌ها متفاوت است.

واژه‌های کلیدی: بوردیو، تصریح، روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی، ساختارگرایی تکوینی.

مقدمه

حوزه پیشگام در جامعه‌شناسی در دهه پایانی قرن بیستم در آمریکا، بریتانیا، آلمان و بی‌شک در هر جای دیگری جامعه‌شناسی فرهنگ بوده است. اثرگذارترین جامعه‌شناس فرهنگی نیز کسی نیست جز بوردیو^۱ که همتایی برای او متصور نیست. اگر نمایندگان مطالعات فرهنگی در حوزه فلسفه، فوکو^۲ در زبان‌های مدرن، دریدا^۳ در نشانه‌شناسی، بارت^۴ در نظریه فیلم، مس^۵ در شهر آیینی، لوفور^۶ و در تحلیل روانی لاکان^۷ باشند، نماینده آن در جامعه‌شناسی بوردیو است. تمایز او با سایر نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی که هم‌زمان با او مطرح شده‌اند، به ویژگی‌هایی مانند تلاش برای تلفیق عاملیت و ساختار، نگاه انتقادی به جوامع بشری معاصر با حفظ جایگاه علمی علم جامعه‌شناسی، حضور در جنبش‌های سیاسی در راستای اعتراض به وضع موجود، کاربست نظریه وی به شیوه‌های مختلف و انعطاف‌پذیری رویکرد نظری وی مربوط می‌شود (لش، ۱۳۸۳: ۳۳۳-۳۵۶؛ گرنفل، ۲۰۰۹: ۱۷؛ سیوک، ۲۰۱۴: ۵۳۹). بوردیو رویکرد خاصی به نظریه و پژوهش دارد که به ساختارگرایی تکوینی مشهور است.^۸ این رویکرد دارای سطوح هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی خاصی است که با سایر سنت‌های مرسوم علوم اجتماعی متفاوت است (بوردیو، ۱۳۷۵: ۹۶؛ نیومن^۹، ۱۳۸۹: ۱۹۶؛ جمشیدی‌ها و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲). این رویکرد، در سطح روش‌شناسی در مقابل همه اشکال مختلف انحصارگرایی روش‌شناختی که بر اولویت هستی‌شناختی ساختار یا عامل، نظام یا کنشگر، جمع یا فرد تأکید می‌کنند، بر روابط تأکید دارد و «رابطه‌گرایی روش‌شناختی^{۱۰}» را به‌منزله راهبردی جایگزین پیشنهاد می‌کند (ریترز^{۱۱}، ۱۳۹۳: ۷۱۲؛ پرستش، ۱۳۹۰: ۱۳۴). روش‌شناسی بوردیو سه سطح دارد که عبارت است از: تحلیل عادت‌واره، تحلیل ساختار میدان و تحلیل رابطه میدان قدرت با میدان مورد نظر (گرنفل، ۱۳۸۹: ۳۲۲).

1. Bourdieu
2. Foucault
3. Deirida
4. Bartes
5. Metz
6. Lefebvre
7. Lacan
8. Genetic structuralism
9. Neuman
10. Methodological Relationism
11. Ritzer

با توجه به اینکه روش‌شناسی مذکور در پژوهش‌های اجتماعی، به‌ویژه پژوهش‌های میدانی کمتر استفاده شده است، در نحوه به‌کارگیری آن نکات مبهم زیادی وجود دارد و همین امر پژوهشگران را با سؤالات زیادی مواجه کرده است. از جمله اینکه در چارچوب روش‌شناسی مذکور، پژوهش باید از چه سطحی (سطح اول، یا دوم یا سوم) شروع شود. چه ویژگی‌هایی باید در تحلیل عادت‌واره عاملان اجتماعی بررسی شود (نوع یا سطح عادت‌واره). چرا بوردیو علی‌رغم تأکید زیاد بر اهمیت منطق میدان و تأثیر آن بر کارکرد میدان (بوردیو، ۱۳۹۵: ۴۶) در سطوح روش‌شناسی خود این مؤلفه را در نظر نگرفته است؟ چرا در این روش‌شناسی، علی‌رغم تأکید بوردیو بر اهمیت منازعه عاملان اجتماعی جهت دستیابی به اهداف مورد نظر میدان، جایگاه خاصی برای تحلیل رقابت، راهبرد و موضع‌گیری عاملان اجتماعی در نظر گرفته نشده است؟ چرا با وجود نقش و اهمیت اهداف میدان به‌مثابه موضوع رقابت عاملان اجتماعی (همان، ۱۹۲)، جایگاه خاصی برای تحلیل اهداف میدان در این روش‌شناسی در نظر گرفته نشده است و چه رابطه‌ای (تطابق یا تناقض) میان منطق تبیین پدیده‌های اجتماعی از دیدگاه بوردیو و روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی وی وجود دارد. در پژوهش حاضر، با بررسی آثار نظری و تجربی بوردیو و سایر اندیشمندان، اصول روش‌شناسی بوردیو تصریح شده است؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر، نقد روش‌شناسی بوردیو نیست، بلکه رفع ابهاماتی است که در کاربرد روش‌شناسی وی وجود دارد.

رویکرد ساختارگرایی تکوینی و ویژگی‌های آن

از نظر بوردیو کنش نه پیامد ساختارهای متعین است که بنا بر علل به‌وجود آمده باشد و نه نتیجه منطقی انتخاب عقلانی که بر دلایل خود استوار است، بلکه هم‌جوشی و هم‌آیندی علت و دلیل زمینه‌ساز عمل هستند. البته این بدان معنا نیست که وزن علت و دلیل در همه اعمال یکسان است، بلکه نظریه کنش بوردیو این امکان را فراهم می‌کند که بنا به مورد به توجیه عمل پرداخته شود (پرستش، ۱۳۹۰: ۵۷). وی معتقد است ما آدم‌های ماشینی از پیش برنامه‌ریزی‌شده‌ای نیستیم که بتوانیم پیامدهای کنشی خود را پیش‌بینی کنیم، بلکه کنش‌های ما محصول رابطه‌ای گنگ و دوپهلوی یا رابطه‌ای ناخودآگاه بین عادت‌واره و میدان است. بوردیو بر این امر تأکید دارد که جامعه‌شناسی باید در مطالعه حیات اجتماعی، هم به ساختار و هم به

کنش‌های فردی و ذهنی توجه کند (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۲۰)؛ بنابراین هدف وی فرارفتن از دوگانه‌انگاری سوپژکتیویسم و ابژکتیویسم است (لسرد و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۹۵۲؛ ساوج و سیلوا، ۲۰۱۳: ۱۱۲). پالایش و پردازش او بر مفهوم عادت‌واره، نوعی پل‌زدن روی شکاف تبیینی میان این دو حد افراط و ترفندی برای فراگذشتن از تقابل عبث میان سوپژکتیویسم و ابژکتیویسم است (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

بازخوانی انتقادی مسائل انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی سنتی و نارضایتی بوردیو از پاسخ‌هایی که دیدگاه‌های فلسفی به دغدغه‌های ذهنی و پرسش‌های او می‌دادند، به تدوین و ارائه نظریه ساختارگرایی تکوینی از سوی وی منجر شد. ساختارگرایی تکوینی نوعی جامعه‌شناسی است که از بنیان‌های فکری تحلیل ساختاری استفاده می‌کند، اما این ساختارها را به‌مثابه چیزهای در نظر می‌گیرد که به‌واسطه کنش، تولید و بازتولید می‌شوند. براین اساس ساختارها، ساختاردهنده هستند؛ یعنی کنش را هدایت و مهار می‌کنند، اما ساختارها در عین حال ساختمند نیز هستند، به این معنا که کنشگران آن‌ها را تولید و بازتولید می‌کنند (ریترز، ۱۳۹۰: ۲۷۲؛ جلالی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۳۱۷)؛ بنابراین ساختارگرایی تکوینی هم ساخت‌های اجتماعی و هم تکوین تمایلات عادت‌واره و عاملان را که در این ساخت‌ها ذی‌مدخل هستند بررسی می‌کند (بوردیو، ۱۳۷۵: ۹۶) و بر دیالکتیک ساختار و کنش تأکید می‌کند؛ از این‌رو وی معتقد است فهم آثار هنرمندان مستلزم فهم این است که آن‌ها محصول تلاقی دو گونه تاریخ هستند: تاریخ موقعیت‌های آن‌ها و تاریخ عادت‌واره‌هایشان (پرستش و قربانی، ۱۳۹۱: ۳۹). این رویکرد برای تحلیل واقعیت‌های اجتماعی از مدل میدان بهره می‌برد. در این مدل، جامعه به میدانی تشبیه می‌شود که از یک سو، دارای قوانین، اهداف، کارگزاران (عاملان) و سرمایه است و از سوی دیگر، متأثر از سایر میدان‌ها از جمله میدان قدرت است (بوردیو، ۱۳۸۸: ۴۴؛ سوئدبرگ^۱، ۱۳۹۱: ۶۹).

رویکرد ساختارگرایی تکوینی بوردیو در پژوهشات اجتماعی از توانایی‌ها و قابلیت‌های فراوانی برخوردار است (بوترو و کروسلی، ۲۰۱۱: ۱۰۴) و می‌توان آن را در زمینه‌های مختلف استفاده کرد؛ به‌طوری‌که از این رویکرد می‌توان هم در پژوهشات سطح خرد و هم در

پژوهشات سطح کلان بهره‌گرفت (لسرد و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۹۵۴؛ کیچین و هوه، ۲۰۱۳: ۱۲۶). در سطح خرد می‌توان تأثیر اشکال مختلف سرمایه را بر کنش عاملان اجتماعی بررسی کرد و در سطح کلان نیز می‌توان تأثیرگذاری میدان‌های اجتماعی بر یکدیگر به‌ویژه تأثیر میدان قدرت و سیاست‌های آن را بر ساختار سایر میدان‌های اجتماعی بررسی نمود. همچنین از این رویکرد می‌توان به‌مثابه یک ابزار نظری یا یک ابزار تحلیلی بهره‌برد (تامسون، ۱۳۸۹: ۱۴۵؛ سوئدبرگ، ۱۳۹۱: ۱۳۰). در رویکرد ساختارگرایی تکوینی به‌مثابه یک ابزار نظری می‌توان نظریه‌های موجود در این رویکرد را آزمایش کرد، درستی یا نادرستی آن‌ها را آزمود و اقدام به نظریه‌آزمایی کرد. در رویکرد ساختارگرایی تکوینی، به‌مثابه ابزاری تحلیلی می‌توان با دیدی ترکیبی و کلی‌نگر، پدیده اجتماعی را در دو سطح خرد و کلان بررسی و چگونگی صورت‌بندی آن را تعیین کرد. با چنین رویکردی، نظریه میدان، پژوهش تجربی را هدایت و کنترل می‌کند. با این نظریه، پژوهشگران با این پرسش مواجه می‌شوند که مردم در این میدان «چه کار می‌کنند. جوایز، سهام، کالاها یا اموال مورد تقاضا کدام هستند، چگونه این کالاها توزیع می‌شوند، وسایل یا سلاح‌هایی که شخص برای داشتن شانس پیروزی به آن‌ها نیاز دارد کدام هستند و ساختار توزیع کالاها، منافع و دارایی‌ها، یعنی ساختار توزیع سرمایه خاص در تمام طول بازی چیست» (بوردیو، ۱۳۸۶: ۸۴)؛ بنابراین استفاده از رویکرد نظری بوردیو به‌مثابه ابزاری تحلیلی، اصول کلی برای فهم جهان‌های اجتماعی را که شکل میدان به خود می‌گیرند فراهم می‌کند (بوردیو، ۱۳۸۶: ۸۴)؛ زیرا از طریق ساختار میدان می‌توان دینامیک حفظ یا تغییر ساختار توزیع امکانات و ساختار اجتماعی را تحلیل کرد (بوردیو، ۱۳۹۰: ۷۴).

سطوح پارادایمی رویکرد ساختارگرایی تکوینی بوردیو

رویکرد ساختارگرایی تکوینی دارای سطوح هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی متمایزی است که با یکدیگر رابطه هومولوژیک^۱ دارند و یکدیگر را تکمیل می‌کنند (پرستش، ۱۳۹۰: ۱۳۸-۱۳۹). ساختارگرایی تکوینی در سطح هستی‌شناسی اعتقاد بر «رابطه‌گرایی^۲» دارد؛ بدان معنا که ذات واقعیت اجتماعی را رابطه تشکیل می‌دهد و واقعیت، ماهیت دیالکتیک دارد و

1. Homologic
2. Relationalism

باید در مطالعه واقعیت اجتماعی از تفکر تقلیل‌گرایانه ساختار/ عاملیت، سوژه/ ابژه و وجوه عینی/ ذهنی فاصله گرفت (اورت و همکاران، ۲۰۱۵: ۴۱؛ جمشیدی‌ها و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲؛ پرستش، ۱۳۹۰: ۱۳۴). از دیدگاه بوردیو جهان فضایی از پیش موجود نیست که در آن کنشگران اجتماعی با یکدیگر فعالیت کنند، بلکه فضا برای بوردیو نتیجه رابطه کنشگران اجتماعی است. تحلیل‌ها نیز به این فضا محدود می‌شوند که او آن را «میدان‌ها» می‌نامد (اورت و همکاران، ۲۰۱۵: ۴۰-۴۱). به عبارت دیگر، بوردیو در بعد هستی‌شناسی جامعه را فضای اجتماعی مرکب از مجموعه به هم پیوسته‌ای از میدان‌ها (ساختارها) و افرادی با عادت‌واره‌های مرتبط با میدان‌ها می‌داند که به‌عنوان کنشگر در قالب قواعد حاکم بر میدان‌های اجتماعی و مطابق با عادت‌واره‌های خود برای دستیابی به انواع سرمایه‌ها با هم تعامل و رقابت می‌کنند. کنشگران با تعاملات و کنش‌های خود در تثبیت یا تغییر فضای اجتماعی مؤثر واقع می‌شوند؛ بنابراین فرد، موجودی مختار و در عین حال مجبور است، در فضای اجتماعی و در قالب میدان اجتماعی به کسب عادت‌واره نائل می‌آید و متأثر از شرایط ساختاری و ویژگی‌های فردی اعم از روانی یا ذهنی- شخصیتی عمل می‌کند. عمل او نیز برآیند ویژگی‌های محیطی و فردی اوست (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۱۵). وجه تمایز رویکرد بوردیو با سایر رویکردهای تلفیقی، از جمله رئالیسم انتقادی باسکار آن است که بوردیو معتقد است عادت‌واره عاملان اجتماعی اصول تولیدکننده کنش است و ساختار اجتماعی (موقعیت افراد در میدان) و منطق میدان آن را محدود می‌کند. درحالی‌که باسکار معتقد است ساختارها واجد نیروی علی هستند و برخی کنش‌های عاملان اجتماعی را تسهیل و برخی را تحدید می‌کنند (اشرفی و فلاحی سیف‌الدین، ۱۳۹۱: ۳۰).

معرفت‌شناسی بوردیو مانند بینش کلی وی، دربرگیرنده ویژگی فرارفتن از دوگانه‌انگاری عینیت و ذهنیت است. براین‌اساس تلاش وی آن بود تا توهم دستیابی به تفکر ناب، معرفت ناب و شناخت ناب را با نادیده‌گرفتن تفاوت میان دنیای عادی و دنیای نظری از بین ببرد و تناقض میان عینیت‌گرایی و ذهن‌گرایی را در حوزه معرفت رفع کند (فرهمند و عالی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱۹، ۳۷). از دیدگاه بوردیو، کنش شکل اصلی شناخت و معرفت است و شناخت ناب بدون کنش ممکن نیست؛ یعنی کنش واقعیت را از نو خلق می‌کند (کنوبلاخ، ۱۳۹۰: ۳۲۳). وی حلقه ارتباطی میان معرفت و کنش را عادت‌واره می‌داند (فرهمند و عالی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۳۵)؛ زیرا

افراد از طریق عادت‌واره‌های خود به درک جهان اجتماعی نائل می‌شوند، آن را می‌فهمند، ارزش‌گذاری می‌کنند و براساس آن به کنش می‌پردازند (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۱۸)؛ بنابراین عاملان اجتماعی از طریق عادت‌واره هم کنش‌های خود را تولید می‌کنند و هم به ارزیابی ادراک آن‌ها می‌پردازند (فرهمنند و عالی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۲۴).

نقش عادت‌واره در دستیابی به معرفت بدان معناست که پژوهشگران و عاملان اجتماعی ناخواسته به موضوعات مورد مطالعه و مشاهده، ویژگی‌هایی را نسبت می‌دهند که مؤلفه اصلی نگاه و دریافته‌شان از جهان است. در این زمینه بوردیو معتقد است که پژوهشگر در میدان‌های اجتماعی، نگاه خود از جهان هستی را بر فهم افراد مورد مطالعه از اعمال اجتماعی‌شان تحمیل می‌کند. از آنجا که این نوع شناخت در معرض آسیب و اتهام آمیختگی با ذهنیات، تجربیات و احساسات کنترل‌نشده است، بوردیو برای اجتناب از این مشکلات، موضوع «بازاندیشی» را در حوزه معرفت‌شناسی مطرح می‌کند (گرنفل، ۱۳۸۹: ۲۹۳). بازاندیشی عبارت از نوعی بازنمایی سیال از یک موضوع از رهگذر بازتعریف و بازسازی مستمر آن در کاربرد و معنای آن است (همان: ۲۹۱). بوردیو معتقد است هر جزئی از پژوهش جامعه‌شناختی باید بازاندیشی شود تا مقولات نااندیشیده‌اندیشه که موضوع مطالعه را محدود و تحریف می‌کند، آشکار شود (همان، ۲۹۷)؛ بنابراین به اعتقاد وی، به‌کمک تجربه محض یا تفکر درباره یک پدیده اجتماعی نمی‌توان به آن معرفت پیدا کرد، بلکه شناخت مستلزم کنشی که محصول عادت‌واره و منطق میدان است. البته باید شناخت به‌دست‌آمده را بازاندیشی کرد.

این رویکرد در سطح روش‌شناسی بر «رابطه‌گرایی روش‌شناختی» تأکید دارد (ریترز، ۱۳۹۳: ۷۱۲؛ پرستش، ۱۳۹۰: ۱۳۴). رابطه‌گرایی روش‌شناختی نوعی رویکرد پژوهشی است که به‌منظور شکار روابط، هم از سخت‌گیری طرح‌های اثباتی احتراز می‌کند و هم از سهل‌گیری طرح‌های تأویلی؛ بنابراین نه خود را در روش‌های کمی عین‌گرایانه و نه در روش‌های کیفی ذهن‌گرایانه محدود و محصور می‌کند، بلکه به فراخور پژوهش از روش‌های گوناگون بهره می‌برد (پرستش، ۱۳۹۰: ۱۳۴). بنابراین در بعد روش‌شناسی، بوردیو به تبع بینش تلفیقی خود از روش‌های چندگانه کمی و کیفی، علت‌کاوانه و معناکاوانه استفاده کرده است و از بهره‌گیری از روش‌های مختلف در پژوهش دفاع می‌کند. وی تا آنجا پیش رفت که «چندان‌نگارگی

روش‌شناختی^۱ را توصیه و به آن عمل کرد. البته این چندانگاری به معنای به‌کارگیری روش‌های مختلف در هر پژوهش نیست، بلکه به معنای آن است که به تناسب موضوع پژوهش از تکنیک‌ها و روش‌های مختلف بهره گرفته شود و ترکیب و آرایش روش‌ها متناسب با مسئله پژوهش باشد (بوردیو و واکان، ۱۹۹۲: ۳۰؛ اورت و همکاران، ۲۰۱۵: ۴۰).

سطوح روش‌شناسی رویکرد ساختارگرایی تکوینی

بوردیو روش‌شناسی خود را در سه سطح توصیف می‌کند:

- **تحلیل موقعیت میدان درباره میدان قدرت:** در این مرحله ارزیابی موقعیت میدان مورد نظر در رابطه با سایر میدان‌ها ضروری است، که به صورت خاص رابطه آن با میدان قدرت مدنظر ماست. منظور از قدرت نیز قدرت سیاسی و دولت است. اگرچه نهادها و میدان‌های میانجی دیگری نیز وجود دارند (گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۳۶، ۳۲۲). همچنین بوردیو در بیشتر پژوهش‌های خود میدان دولت را معادل میدان قدرت در نظر گرفته است (بوردیو، ۱۳۹۵: ۸۹). نتایج این مرحله با استفاده از پژوهش اسنادی و داده‌های حاصل از زندگی‌نامه‌پژوهی به دست خواهد آمد (طلوعی و رضایی، ۱۳۸۶: ۱۹). تحلیل موقعیت میدان در مورد میدان قدرت و همچنین سایر میدان‌ها، این امکان را فراهم می‌آورد که پژوهشگر استقلال نسبی میدان مورد نظر، کارآمدی میدان، جایگاه میدان در میدان قدرت و تأثیر سایر میدان‌ها بر رقابت درون میدانی را بررسی کند (بوردیو، ۱۳۹۵: ۲۳، ۹۱).
- **تحلیل ساختار میدان:** تحلیل ساختار میدان عبارت است از شناخت ساختار عینی روابط میان موقعیت‌هایی که عاملان اجتماعی اشغال کرده‌اند که خود آن‌ها برای کسب اعتبار و قدرت درون میدان با یکدیگر رقابت می‌کنند. در این مرحله موقعیت‌سنجی ساختاری خود میدان مدنظر است. این موقعیت‌یابی برحسب سرمایه و مؤلفه‌های آن انجام می‌شود. سرمایه می‌تواند در سه شکل تجلی پیدا کند: اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی. سرمایه اقتصادی به ثروت پولی، سرمایه اجتماعی به سودمندی یا برخورداری از روابط خوب اجتماعی و سرمایه فرهنگی به شاخصه‌های نمادین معتبری اشاره دارد

که از تحصیلات، زمینه خانوادگی و دارایی‌های فامیلی نشئت می‌گیرد. اصول تولیدشده در هر میدان پیرو منطق عمل آن میدان است و ارزش آن با استفاده از نقش میانجی‌گری آن با سرمایه است. این اصل تعیین می‌کند به چه چیزهایی می‌توان فکر کرد و به چه چیزهایی نباید فکر کرد. حتی چه چیزهایی را می‌توان شناخت و چه چیزهایی اصلاً قابل شناخت نیست. این امور براساس منطق کمیابی، ارزش‌های متفاوتی به‌خود می‌گیرد. به عبارت دیگر، آنچه ارزش دارد، کمیاب است؛ بنابراین از این پس مطلوب و ارزشمند می‌شود و آنچه عمومی و در دسترس است، در پایین‌ترین درجه اهمیت قرار دارد (گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۳۶، ۳۲۲). تحلیل ساختار میدان زمینه تحلیل وجود نیروهای مختلف میدان، همگونی و ناهمگونی بین آن‌ها، چگونگی وضعیت عادت‌واره و زمینه تبیین رقابت، موضع‌گیری و کنش عاملان اجتماعی را فراهم می‌آورد (بوردیو، ۱۳۹۵: ۲۳، ۴۶، ۷۰، ۱۰۲، ۱۹۱، ۱۸۸، ۱۹۱).

- **تحلیل عادت‌واره عاملان اجتماعی:** عادت‌واره یعنی تمایلاتی که با درونی‌کردن شرایط و موقعیت خاص اقتصادی و اجتماعی، به‌صورت یک نظام فکری و رفتاری درآمده است و عاملان به آن مجهز شده‌اند. این تمایلات نظام‌یافته به شیوه‌ای خاص در میدان، فرصت‌های کم‌ویش مطلوب برای فعلیت‌یافتن می‌یابند. در این مرحله، عادت‌واره عاملان فردی درون میدان تحلیل می‌شود. پیش‌زمینه آن‌ها، مسیر زندگی و موقعیت آن‌ها درون میدان بررسی می‌شود. اگرچه این سطح براساس مؤلفه‌های فردی و ویژگی‌های خاص افراد مطرح می‌شود، تنها در بخش‌هایی که این مؤلفه‌ها در گذشته و حال به میدان مرتبط باشند، برای ما اهمیت می‌یابند. به عبارت دیگر، هدف آن است که مشخص شود چگونه مؤلفه‌ها و صفاتی خاص که موردی اجتماعی هستند، تنها درون میدان به‌مثابه یک کل واجد ارزش می‌شوند. در این سطح، مؤلفه‌های مبتنی بر مشخصات و ویژگی‌های فردی مورد نظر نیست، بلکه عادت‌واره افراد براساس مؤلفه‌های سرمایه‌ای که در اختیار دارند، درون میدان موقعیت‌یابی و بررسی می‌شوند و این فرایند با قواعد منطقی حاکم بر میدان انجام می‌گیرد. بدین ترتیب مقایسه افراد، گروه‌ها و شیوه‌هایی که در موقعیت‌های همسان با هم تلاقی و تعامل می‌کنند،

امکان‌پذیر می‌شود. این امر توجه بیشتری به جوانبی مانند زندگی‌نامه، سرگذشت (شخصی و شغلی) و جایگاه عمل با توجه به منطق عمل میدان‌ها را می‌طلبد. ساختار میدان‌ها، منطق تعریف‌شده آن‌ها، اصل و مبدأ آن‌ها و شیوه‌هایی که این منطق در عمل واقعیت می‌یابد، اهمیت زیادی دارند. در اینجا باید به گفتمان‌های رسمی توجه کرد. درنهایت پیوندی میان افراد، ساختارهای میدان و موقعیت‌یابی درون میدان و میان میدان‌ها وجود دارد که چارچوبی مفهومی برای پژوهش فراهم می‌آورد (گرنفل، ۱۹۹۶: ۲۹۱؛ گرنفل و جیمز، ۱۹۹۸: ۱۷۰؛ ریتزر، ۱۳۹۳: ۷۰۸؛ گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۳۷، ۳۲۲). این رویکرد به پژوهشگر امکان بررسی عادت‌واره، تکوین و سیر تاریخی آن و تطابق یا تناسب آن با جایگاه فرد در میدان، همچنین موضع‌گیری عامل اجتماعی که آن جایگاه را تصرف کرده است و زمینه تبیین کنش عاملان اجتماعی را فراهم می‌آورد (گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۳۷؛ بوردیو، ۱۳۹۵: ۲۳، ۱۱۵، ۱۲۳، ۱۹۱).



شکل ۱. سطوح روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی بوردیو

این سه سطح در مطالعه همه میدان‌های اجتماعی وجود دارد و به‌منزله سطوح سه‌گانه روش‌شناسی بوردیو در مطالعه میدان‌های اجتماعی قلمداد می‌شود. روشی که انتخاب یک میدان به‌منزله موضوع مطالعه اصل عمومی آن به حساب می‌آید (پرستش، ۱۳۹۳: ۴۶۸). با توجه به سطوح مذکور می‌توان گفت این روش‌شناسی هم‌زمان سطوح توصیف و تبیین را دربرمی‌گیرد (بوردیو، ۱۳۹۵: ۹۹)؛ زیرا از یک سو با تعیین عادت‌واره و ساختار میدان، وضعیت میدان را توصیف می‌کند و از سوی دیگر، با تعیین رابطه میدان با میدان قدرت، وضعیت موجود میدان را تبیین می‌کند. این امر بیانگر آن است که هدف از نظریه میدان و روش‌شناسی بوردیو، توصیف، آشکارکردن، رمزگشایی و تبیین پدیده‌های اجتماعی و

میدان‌های اجتماعی است (کیچین و هوه، ۲۰۱۳: ۱۲۴؛ لسرد و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۹۵۲؛ گرنفل، ۲۰۰۹: ۱۷؛ بوردیو، ۱۳۹۵: ۹۹؛ بوردیو، ۱۳۷۵: ۹۰-۱۰۸؛ طلوعی و رضایی، ۱۳۸۶: ۱۱؛ نیومن، ۱۳۸۹؛ پرستش، ۱۳۹۰: ۱۳۵-۱۳۸).

تصریح روش‌شناسی بوردیو

بوردیو برخلاف سایر نظریه‌پردازان در رویکرد ساختارگرایی تکوینی اصولی را مطرح کرده که موجب انعطاف‌پذیری رویکرد وی شده است. این امر بدان معناست که رویکرد بوردیو پتانسیل‌هایی دارد که امکان بسط آن را فراهم می‌آورد. این اصول عبارت‌اند از: «توجه معرفتی یا شناختی یکسانی به همه کارها و عملکردها» و «بازتابندگی روش‌شناختی». براساس اصل اول بوردیو تأکید دارد رویکرد شناختی باید بر کل فرایند پژوهش حاکم باشد. این بدان معناست که هر کاری در روند پژوهش، حتی پیش‌پافتاده‌ترین و بنیادی‌ترین آن در چارچوبی نظری باید قرار داشته باشد که آن را هدایت کرده است. چنین شرحی از پژوهش، تصریح‌کننده رابطه‌ای اندام‌واره و به‌واقع هم‌آمیزی تمام‌عیار میان نظریه و روش است. این اصل بیانگر آن است که پژوهشگر در تحلیل میدان‌های اجتماعی (براساس رویکرد ساختارگرایی تکوینی) باید رویکردی نظری را که پژوهش هدایت می‌کند در کل فرایند پژوهش مدنظر قرار دهد. توجه شناختی با گردآوری منابع و طراحی پرسشنامه شروع می‌شود و تا تعریف جمعیت، نمونه‌ها و متغیرها، کدگذاری، مصاحبه، مشاهده و رونویسی و تنظیم متن ادامه می‌یابد. اصل دومی که بوردیو مطرح کرده است، بازتابندگی روش‌شناختی است؛ یعنی پژوهشگر پیوسته درباره روشی که در هر لحظه به‌کار گرفته است، بازاندیشی می‌کند. همان‌گونه که سه مرحله بنیادین منطق علوم اجتماعی، یعنی گسست، ساخت و اثباتگری را نمی‌توان از یکدیگر تفکیک کرد، ساخت موضوع نیز هیچ‌گاه یک‌باره انجام نمی‌شود، بلکه دیالکتیک نظریه، اثباتگری و شاهدآوری بارها در هر مرحله از کار پژوهشی صورت می‌پذیرد (واکوانت، ۱۳۸۳: ۳۳۲-۳۳۳).

با توجه به اصل «توجه معرفتی یا شناختی یکسان به همه کارها و عملکردها»، در ادامه سطوح روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی بوردیو براساس رویکرد نظری او و در چارچوب روش‌شناسی وی تصریح می‌شود.

الف) تصریح مرحله آغازین پژوهش: روش‌شناسی بوردیو ممکن است پژوهشگران را با این پرسش مواجه می‌کند که در چارچوب روش‌شناسی مذکور باید از کدام سطح شروع کرد. گرنفل (۱۳۸۹: ۳۲۳-۳۲۲) اشاره می‌کند، مجموعه اطلاعات گردآوری‌شده از افراد (عادت‌واره، سطح سوم) یا اطلاعاتی که قابلیت جمع‌آوری دارد، تا حد زیادی پاسخ را به ما نشان می‌دهد. با وجود این باید تأکید شود صرف برخورداری از اطلاعات شخصی برای این کار کافی نیست، بلکه این اطلاعات باید با توجه به موقعیت میدان، ساختارها و منطق عمل ایجادکننده آن‌ها، به‌درستی تحلیل شوند و مهم‌تر از آن، تحلیل رابطه میان میدان و عادت‌واره و هریک از آن‌ها صورت بگیرد. بعد از این مراحل، تحلیل میدان و تعامل آن با عادت‌واره‌های فردی، باید با تحلیل‌های بیشتری از رابطه میان میدان و موقعیت آن در نسبت با ساختارهای فراگیر میدان قدرت تکمیل شود؛ از این‌رو هر سه سطح ضروری هستند. در طراحی این تحلیل‌ها از میدان‌ها، اهمیت مواردی مانند دوگانگی‌های سنتی میان رویکردهای کیفی و کمی و موضوعیت آن‌ها از بین می‌رود. به‌علاوه پژوهشگر نیازمند حصول بهترین تحلیل از اطلاعات است تا بتواند رابطه‌ای صحیح از درون و میان میدان‌ها به دست دهد. چنین کاری ممکن است به تحلیل چندوجهی و هم‌زمان نیاز داشته باشد؛ تحلیل اسنادی، مطالعات بیوگرافی، مطالعه موردی قوم‌نگارانه و...

براین‌اساس، گرنفل معتقد است هر سه سطح بررسی شود، سپس نتایج آن‌ها براساس رویکرد نظری پژوهش کنار یکدیگر قرار گیرد، اما پژوهشگر بر این باور است که با توجه به رویکرد نظری بوردیو که مبتنی بر پارادایم انتقادی^۱ است و درصدد آن است که با محوریت ارتباط سطوح خرد و کلان، از رخداد (که در اینجا عادت‌واره است) به ساختارهای اجتماعی (سطح کلان) دست یابد و از این طریق اقدام به آشکارسازی وضعیت موجود و رمزگشایی رویدادهای عادی کند (بوردیو، ۱۳۹۵: ۲۴، ۷۰؛ نیومن، ۱۳۸۹: ۱۹۶-۱۹۷؛ محمدپور، ۱۳۸۹: ۴۳۳؛ نوابخش و کرمی، ۱۳۹۵: ۱۴۸) و با توجه به برخی از پژوهش‌ها بوردیو از جمله «تحلیل

۱. پارادایم انتقادی یکی از چند رهیافت عمده در تحقیقات اجتماعی است که بر مبارزه با تحریف‌های ظاهری، سطوح چندگانه واقعیت و فعال‌گرایی مبتنی بر ارزش‌ها در راستای توانمندسازی انسان تأکید دارد (محمدپور، ۱۳۸۹: ۴۳۳).

ساختارهای اجتماعی اقتصادی» و «جامعه‌شناسی ادبیات، آموزش عاطفی فلور»^۱ که ابتدا از تحلیل درون میدانی و تحلیل عادت‌واره آغاز می‌کند، در پژوهش‌های بوردیویی (و از جمله پژوهش حاضر) باید از سطح تحلیل عادت‌واره به‌مثابه نقطه شروع گردآوری و تحلیل داده‌ها استفاده شود.

همچنین پژوهشگر بر این باور است که تبیین در پژوهش‌های مبتنی بر ساختارگرایی تکوینی، تبیین میدانی است. تبیین میدانی حول محور تعیین وضعیت درون میدان متمرکز است. در این راستا، در بخشی از تبیین، پژوهشگر رابطه میدان را با سایر میدان‌ها (از جمله میدان قدرت) نیز بررسی می‌کند؛ زیرا این رویکرد بر این پیش‌فرض مبتنی است رابطه درون میدان متأثر از رابطه آن با سایر میدان‌هاست. این بدان معناست که ابتدا باید میدان مورد نظر، از منظر مؤلفه‌های میدان (عادت‌واره، ساختار، اهداف و منطبق آن) تحلیل شود، سپس چگونگی وضعیت میدان (صورت‌بندی میدان) درباره میدان قدرت تبیین شود. تصریح مرحله آغازین پژوهشگر را در انتخاب مرحله شروع تحقق یاری می‌دهد.

ب) تصریح مرحله تحلیل عادت‌واره: مسئله مهم دیگر این است که در تحلیل عادت‌واره عاملان اجتماعی باید چه ویژگی‌هایی بررسی شود. در برخی از پژوهش‌های تجربی از جمله پژوهش‌های وانگ و وانگ (۲۰۱۷)، زریم مارتین (۲۰۱۵)، توماس (۲۰۰۲) و دومایس (۲۰۰۲) سطح عادت‌واره بررسی می‌شود. در برخی از پژوهش‌ها مانند آنگستروم و کارلهد (۲۰۱۴) نوع و تیپولوژی عادت‌واره عاملان اجتماعی بررسی شده است؛ بنابراین براساس پژوهش‌های تجربی، تحلیل عادت‌واره در میدان به دو شکل بررسی می‌شود: تحلیل نوع و تیپولوژی عادت‌واره و تحلیل سطح (مقدار) عادت‌واره. در تحلیل نوع عادت‌واره هدف آن است که تعیین شود عادت‌واره عاملان اجتماعی چه نوع عادت‌واره‌ای است یا می‌توان آن را به چند دسته تفکیک کرد؛ برای مثال باید دانست که در میدان خانواده، عاملان اجتماعی عادت‌واره ساده‌زیستی دارند یا تجمل‌گرایی، اما در تحلیل دوم، یعنی تحلیل سطح عادت‌واره، هدف مشخص کردن مقدار یا سطح عادت‌واره عاملان اجتماعی است. مسئله پژوهش نیز عبارت

۱. بوردیو در مقاله «جامعه‌شناسی ادبیات، آموزش عاطفی فلور» ابتدا ساختار میدان را تحلیل می‌کند، سپس رابطه میدان هنری با میدان قدرت را تحلیل می‌کند.

است از اینکه عادت‌واره تجمل‌گرایی عاملان اجتماعی در چه سطحی قرار دارد. کم، متوسط یا زیاد؟ اینکه پژوهشگر در تحلیل عادت‌واره عاملان اجتماعی کدام یک از این اشکال را برمی‌گزیند، به دو عامل مسئله و هدف پژوهش و میدان مورد بررسی منوط است.

باید توجه داشت، نقش میدان مورد مطالعه در تعیین شکل تحلیل عادت‌واره در یک میدان دانشگاهی، تحلیل نوع عادت‌واره عاملان اجتماعی (عادت‌واره علمی یا عادت‌واره غیرعلمی) معنا ندارد؛ زیرا عاملان اجتماعی (استادان و دانشجویان) به اقتضای منطق و ساختار میدان همواره نگرش علمی دارند و تا حدودی به فعالیت‌هایی از قبیل مطالعه، پژوهش، تألیف کتاب و مقاله، شرکت در همایش‌ها و... می‌پردازند. این امر موجب می‌شود عاملان اجتماعی تا اندازه‌ای از عادت‌واره علمی برخوردار شوند؛ بنابراین در چنین میدانی پژوهشگر باید درصدد تعیین سطوح عادت‌واره علمی عاملان اجتماعی باشد نه نوع آن. بوردیو اشاره می‌کند زیستن در یک میدان به معنی تنفس در فضایی است که میان عاملان اجتماعی آن میدان مشترک است و تنفس در چنین فضایی به درونی‌کردن قواعد میدان می‌انجامد. حاصل این سازوکار در عادت‌واره‌هایی تبلور می‌یابد که کاملاً با میدان هم‌خوانی دارند؛ بنابراین عادت‌واره عاملان اجتماعی با ساختارهای میدان شباهت دارد؛ در نتیجه به‌طور مداوم با انتظارات حک‌شده در میدان سازگار می‌شود (بوردیو، ۱۳۸۶: ۹۷؛ بوردیو، ۱۳۹۵: ۱۸۳؛ جلالی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۳۳۹؛ پرستش و قربانی، ۱۳۹۱: ۳۶). در سایر میدان‌ها، از جمله میدان خانواده به‌دلیل آنکه از عادت‌واره‌های متفاوتی برخوردارند، پژوهشگر باید نوع عادت‌واره و دسته‌بندی آن را تعیین کند. تصریح تحلیل عادت‌واره این امکان را به پژوهشگر می‌دهد که در پژوهش خود به‌دنبال بررسی سطح و میزان عادت‌واره عاملان اجتماعی باشد یا درصدد تعیین نوع عادت‌واره آن‌ها باشد.

ج) تصریح بررسی منطق میدان: شاید در نگاه اول این پرسش در ذهن پژوهشگران شکل می‌گیرد که چرا بوردیو با وجود تأکید زیاد بر اهمیت منطق میدان و تأثیر آن بر کارکرد میدان و کنش عاملان اجتماعی در سطوح روش‌شناسی خود این مؤلفه را در نظر نگرفته است (بوردیو، ۱۳۹۵: ۴۶). اگرچه بوردیو در روش‌شناسی خود تحلیل منطق میدان را به‌روشنی بیان نکرده، اما در پژوهش‌های تجربی از جمله «تحلیل ساختارهای اجتماعی اقتصاد» این موضوع را مدنظر قرار داده است (همان: ۸۹)؛ بنابراین براساس این پژوهش‌ها و با توجه به اصل «توجه معرفتی یا شناختی یکسان به همه»

کارها و عملکردها» که به حضور رویکرد نظری پژوهش در تحلیل میدان‌های اجتماعی و در کل فرایند پژوهش اشاره دارد، در پژوهش‌های بوردیویی از جمله در پژوهش حاضر، باید منطق میدان در چارچوب سطوح سه‌گانه روش‌شناسی بوردیو بررسی شود. بخش تحلیل منطق میدان با توجه به آنکه عنصری درون‌میدانی است، در سطح دوم روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی قرار می‌گیرد و در این سطح بررسی می‌شود. بررسی منطق میدان به پژوهشگران امکان بررسی و تبیین کنش و موضع‌گیری عاملان اجتماعی را می‌دهد (همان: ۴۶، ۸۹، ۹۱، ۱۲۴).

بوردیو معتقد است منطق میدان ممکن است عینی یا ضمنی باشد (همان: ۹۰). به عبارت دیگر، منطق میدان‌های رسمی مانند میدان دانشگاه، مدرسه، بورس و... که از سوی میدان قدرت شکل گرفته‌اند، تک‌بعدی نیست؛ زیرا از یک سو، میدان‌های رسمی همواره قوانین مکتوبی دارند که همه عناصر میدان (از جمله کنش عاملان اجتماعی) را هدایت، کنترل و تنظیم می‌کنند. از سوی دیگر، ممکن است میدان مربوط یا میدان قدرت با توجه به ساختار و اهداف نهانی خود، قوانینی را در میدان وضع و اجرا کنند، اما براساس برخی مصلحت‌ها آن را مکتوب نکنند. به همین دلیل پژوهشگر بر این باور است که منطق میدان دوجانبی است: بعد عینی و آشکار که عبارت است از منطق یا قوانین آشکاری که از سوی میدان، برای هدایت و کنترل کنش عاملان اجتماعی به شکل سند مکتوب وضع می‌شود و با عناوین خاصی در میدان وجود دارد، مانند قوانین فارغ‌التحصیلی دانش‌آموزان در میدان آموزش و بعد ذهنی و پنهان که عبارت است از منطق پنهان^۱ که مکتوب و آشکار نیست و به صورت ضمنی از سوی میدان بر عاملان اجتماعی تحمیل می‌شود و کنش آن‌ها را هدایت، کنترل و محدود می‌کند؛ مانند منطق اولویت نقش مبصری بر معلمی در میدان آموزش.

د) تصریح منازعه و موضع‌گیری نیروها در میدان: مسئله مهم دیگر در روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی آن است که چرا بوردیو جایگاه خاصی برای تحلیل رقابت، منازعه، راهبرد و موضع‌گیری میدان در روش‌شناسی خود در نظر نگرفته است؛ درحالی‌که در رویکرد نظری خود بر منازعه عاملان اجتماعی برای دستیابی به اهداف و سرمایه مورد نظر میدان و

۱. این اصطلاح از اصلاح برنامه درسی پنهان که یکی از مهم‌ترین مفاهیم جامعه‌شناسی آموزش و پرورش است، الهام گرفته شده است و بدان معناست که برخی از قوانین میدان پنهان و ضمنی هستند.

موضوع‌گیری آن‌ها تأکید دارد. البته شاید از روش‌شناسی بوردیو این معنا استنباط شود که با توجه به میدان و تعیین ساختار آن، معلوم می‌شود منازعه در میدان بر سر چه اهداف یا برای دستیابی به چه نوع سرمایه‌ای است. این استنباط ضمنی برای تعیین منازعه در میدان کافی نیست؛ زیرا از یک سو، ساختار میدان بیانگر تلاش عاملان اجتماعی که تازه تغییر رویه داده‌اند و عاملانی که تازه وارد میدان شده‌اند نخواهد بود. از سوی دیگر، ساختار میدان بیانگر موقعیت عاملان اجتماعی در میدان است، نه اهداف آن‌ها. اگرچه ممکن است گاهی اوقات این دو با یکدیگر مطابقت داشته باشند، اما گاهی با هم مغایرت دارند. از جمله ممکن است برخی عاملان اجتماعی که برای نیل به سرمایه فرهنگی تلاش می‌کنند، به دلیل دستیابی به ثروت ناگهانی مانند ارث، در موقعیت اقتصادی بالایی در میدان قرار بگیرند. در این شرایط، ساختار بیانگر اهداف عاملان اجتماعی نخواهد بود.

باید توجه داشت که بوردیو در پژوهش‌های تجربی خود از جمله «تحلیل ساختارهای اجتماعی اقتصاد»، منازعه در میدان را با عنوان موضع‌گیری نیروهای میدان بررسی کرده است (همان: ۱۰۶). وی در پژوهش‌های تجربی بعد از مشخص کردن ساختار میدان براساس حجم و ترکیب سرمایه عاملان اجتماعی، مواضع نیروهای میدان و انطباق آن‌ها را نیز بررسی و مشخص کرده است که آیا رقابت و منازعه در میدان وجود دارد یا نه. همچنین به این مسئله توجه دارد که نیروهای میدان چه موضعی را درپیش گرفته‌اند، در راستای دستیابی به کدام سرمایه رقابت می‌کنند، کدام نیروها محافظه‌کار هستند و کدام نیروها به شکل انقلابی عمل می‌کنند و درنهایت آیا موضع انتخابی آن‌ها با موقعیت آن‌ها تناسب دارد یا نه (همان: ۱۰۶). براساس پژوهش‌های تجربی بوردیو و با توجه به اصل «توجه معرفتی یا شناختی یکسان به همه کارها و عملکردها»، در پژوهش‌های بوردیویی باید موضع‌گیری عاملان اجتماعی در چارچوب سطوح سه‌گانه روش‌شناسی بوردیو بررسی شود. از آنجا که نوعی مقاربت میان موضع‌گیری و ساختار میدان وجود دارد، این بخش در سطح دوم روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی بررسی می‌شود. تصریح موضع‌گیری و راهبرد عاملان اجتماعی در میدان زمینه تبیین و تحلیل سرمایه مورد منازعه عاملان اجتماعی، تغییر سرمایه مورد منازعه، مطابقت موقعیت عاملان اجتماعی با موضع‌گیری آن‌ها و مطابقت سرمایه مورد منازعه و اهداف میدان را فراهم می‌آورد (همان: ۹۶، ۱۸۲، ۱۲۲).

ه) **تصریح بررسی هدف میدان:** مسئله دیگر در روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی بوردیو، این است که چرا وی علی‌رغم تأکید زیاد بر اهمیت اهداف میدان به‌مثابه موضوع رقابت و غنایم میدان و تأثیر آن بر کارکرد میدان (همان: ۱۹۲)، جایگاه خاصی برای تحلیل اهداف میدان در روش‌شناسی خود در نظر نگرفته است. این مسئله بیانگر آن است که آیا مشخص کردن هدف میدان در پژوهش‌های بوردیویی ضروری است یا نه. البته شاید از روش‌شناسی بوردیو، به‌طور ضمنی این معنا استنباط شود که با تعیین سرمایه مورد منازعه و موضع‌گیری عاملان اجتماعی آن‌ها برای دستیابی به آن، هدف میدان نیز مشخص می‌شود. این استنباط ضمنی برای تعیین هدف میدان صحیح نیست؛ زیرا هدف میدان مجزا از سرمایه مورد منازعه و موضع‌گیری عاملان اجتماعی در میدان است و عنصری به‌شمار می‌آید که میدان به‌دلیل آن و برای دستیابی به آن شکل گرفته است (همان: ۱۲۲). اگرچه ممکن است گاهی اوقات این دو با یکدیگر مطابقت داشته باشند، اما گاهی اوقات نیز این دو با یکدیگر مغایرت دارند، زیرا ممکن است تحت تأثیر شرایط مختلف و عوامل مؤثر بر میدان، موضع‌گیری عاملان اجتماعی و سرمایه مورد منازعه تغییر یابد و عاملان اجتماعی در راستای کسب اهداف و سرمایه‌های دیگری رقابت کنند (همان، ۹۱، ۱۸۲). از جمله ممکن است عاملان اجتماعی برای نیل به سرمایه اقتصادی تلاش کنند، درحالی‌که هدف میدان ارتقای سرمایه فرهنگی باشد. براساس اصل «توجه معرفتی یا شناختی یکسانی به همه کارها و عملکردها» و با توجه به آنکه بوردیو در رویکرد نظری خود بر اهمیت هدف میدان تأکید دارد، ضروری است تعیین اهداف میدان نیز در پژوهش‌های بوردیویی در نظر گرفته شود. البته از آنجا که بخش تعیین اهداف عنصری درون میدانی است، بهتر است تعیین اهداف میدان در سطح دوم این روش‌شناسی مورد بررسی قرار گیرد. اهداف برخی از میدان‌ها از جمله میدان‌های رسمی مانند میدان دانشگاه، مدرسه، اقتصاد و... اهدافی مکتوب و عینی است و اهداف برخی از میدان‌ها مانند میدان عشق غیرمکتوب و ذهنی است (همان: ۱۲۲)؛ بنابراین اهداف میدان‌ها ممکن است عینی (مکتوب) یا ذهنی (غیرمکتوب) باشد. تعیین هدف میدان به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که مطابقت هدف میدان و سرمایه مورد منازعه از سوی عاملان اجتماعی که در موضع‌گیری آن‌ها نمایان است، بررسی کند (همان: ۱۸۲، ۱۲۲).



شکل ۲. مدل تصریح سطوح روش شناسی ساختارگرایی تکوینی بوردیو

منطق تبیین در رویکرد ساختارگرایی تکوینی و رابطه آن با روش شناسی مذکور

بوردیو در راستای تبیین مسائل و پدیده‌های اجتماعی معتقد است پژوهش‌های اجتماعی مادامی که خود را تنها به جلوه‌های ظاهری و گذرای اعمال قدرت، یعنی گفت‌وگوها و تعامل‌ها محدود کنند و ساختار روابط نیرو میان نهادها و عاملانی را نادیده بگیرند (که بر سر قدرت تصمیم‌گیری منازعه می‌کنند) یا به عبارتی دیگر، قریحه‌ها و منافع انواع و اقسام نیروهایی را نادیده بگیرند که برای به کرسی نشاندن این قریحه‌ها و منافع در چتته دارند، کم‌وبیش گمراه‌کننده خواهند ماند (همان: ۷۰). تنها با تحلیل پیکره قدرت‌های درون میدان در همه مقاطع است که می‌توان منطق کارزارهایی را درک کرد که اهداف میدان را رقم می‌زنند (همان، ۱۹۲). همچنین باید کلیت تاریخ اجتماعی عاملان اجتماعی به‌ویژه تکامل روابط نیرو میان گروه‌های مختلف را در نظر گرفت (همان، ۷۱).

از دیدگاه بوردیو کنش عاملان اجتماعی متأثر از عادت‌واره و حجم و ترکیب سرمایه آن‌هاست (همان، ۲۴) و عادت‌واره عاملان اجتماعی متناظر با ساختار میدان و متأثر از آن است (همان: ۱۱۰، ۱۱۵). ساختار میدان نیز متأثر از مداخله‌های میدان قدرت و سایر میدان‌های اجتماعی است (همان: ۲۴، ۱۹۱، ۲۰۷). میدان قدرت این نقش به‌کمک سیاست‌های مختلف اجرا می‌شود و در سطحی ژرف‌تر با تأثیرات ساختاری میدان‌های اجتماعی ایفای نقش می‌کند (بوردیو، ۱۳۹۵: ۲۲). به‌طورکلی بوردیو معتقد است میدان قدرت با استفاده از سیاست‌های مختلف، منطق میدان و ساختار میدان را تعیین می‌کند. ساختار میدان از یک سو بر راهبرد عاملان اجتماعی و از سوی دیگر بر عادت‌واره آن‌ها تأثیر می‌گذارد. درنهایت عاملان اجتماعی براساس منطق میدان، ساختار میدان، حجم و ترکیب سرمایه و عادت‌واره خود به کنشی می‌پردازند که پیامدهای خاصی دارد.

بوردیو برای تبیین مسائل و پدیده‌های اجتماعی معتقد است هدف تحلیل نباید ثبت هم‌بستگی‌های آماری میان متغیرها و رویدادها باشد، بلکه هدف آن باید توصیف ساختار میدان (هم ساختار درون میدانی و هم ساختار فرامیدانی) و سازوکارهایی باشد که شیوه کار آن را رقم می‌زند. همچنین ساختار توزیع قریحه‌ها را توصیف کند و به کمک تحلیل تاریخی به ترسیم شرایط اجتماعی تولید میدان‌های اجتماعی و قریحه‌هایی بپردازد که می‌تواند در این میدان‌ها سیراب شوند (بوردیو، ۱۳۹۵: ۲۵؛ لش، ۱۳۸۳: ۳۶۰). به‌طورکلی بوردیو بر این امر تأکید دارد که برای تبیین پدیده‌ای اجتماعی باید در مرحله اول به نقش ساختارهای فرامیدانی در شکل‌گیری ساختار میدانی که پدیده در آن شکل گرفته است، اشاره کرد. سپس ضروری است نقش ساختارهای درون میدانی در شکل‌گیری عادت‌واره عاملان اجتماعی و در پایان نقش عادت‌واره عاملان اجتماعی (ساختارهای شناختی) را در شکل‌گیری آن پدیده بیان شود.

سطوح روش‌شناسی بوردیو نیز براساس همین منطق تدوین شده‌اند. بوردیو معتقد است در پس کنش‌های عاملان اجتماعی ساختارهایی وجود دارد که پنهان هستند و باید آن‌ها را شناسایی کرد. وی در روش‌شناسی خود اشاره می‌کند گردآوری و تحلیل داده‌ها باید از سطح رخداد (که در اینجا عادت‌واره است) شروع شود و با محوریت ارتباط سطوح خرد و کلان صورت بگیرد. به عبارت دیگر، وی تأکید دارد ابتدا باید عادت‌واره که همان ساختارهای شناختی کنش هستند، مشخص و تحلیل شود. سپس با توجه به آنکه عادت‌واره عاملان اجتماعی متأثر از ساختارهای درون میدانی است، تحلیل ساختار میدان صورت بگیرد. در مرحله نهایی نیز با توجه به آنکه ساختار میدان (ساختار درون میدانی) متأثر از ساختارهای فرامیدانی، از جمله رابطه با میدان قدرت است، باید رابطه میدان مورد نظر با میدان قدرت را تحلیل کرد؛ بنابراین بوردیو در روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی از سطح خرد به سطح کلان دست می‌یابد و از این راه، ساختارهای پنهان را آشکار می‌کند. براین اساس می‌توان نتیجه گرفت منطق تبیین و روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی بر یکدیگر منطبق هستند و تنها نقطه شروع آن‌ها متفاوت است؛ به طوری که در تبیین نقطه شروع سطح کلان و نقطه پایان سطح خرد است، اما در روش‌شناسی نقطه شروع سطح خرد است و نقطه پایان سطح کلان. همچنین تبیین در رویکرد ساختارگرایی تکوینی براساس داده‌ها و نتایجی است که از روش‌شناسی و

روش‌های این رویکرد به دست می‌آید. به عبارت دیگر، منبع تغذیه تبیین در این رویکرد، نتایج بخش روش‌شناسی است؛ بنابراین میان منطق تبیین و روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی رابطه‌ای منظم و هماهنگ وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تصریح ابهاماتی است که پژوهشگران علوم اجتماعی هنگام استفاده از روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی بوردیو با آن مواجه می‌شوند. به همین دلیل سؤالاتی در زمینه چگونگی شروع پژوهش در روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی، چگونگی تحلیل عادت‌واره، چگونگی بررسی منطق، هدف و موضع‌گیری عاملان اجتماعی در این روش‌شناسی و چگونگی رابطه منطق تبیین و روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی مطرح و با استناد به آثار نظری و تجربی پی‌یر بوردیو و سایر اندیشمندان این ابهامات تصریح شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در زمینه نقطه شروع پژوهش ابتدا باید میدان مورد نظر از نظر مؤلفه‌های میدان (عادت‌واره، ساختار، اهداف و منطق آن) تحلیل شود. سپس تبیین چگونگی وضعیت میدان (صورت‌بندی میدان) در رابطه با میدان قدرت صورت بگیرد. در زمینه چگونگی تحلیل عادت‌واره نیز نتایج پژوهش نشان می‌دهد، براساس پژوهش‌های تجربی، تحلیل عادت‌واره در میدان به دو شکل انجام می‌شود که عبارت است از: تحلیل نوع و تیپولوژی عادت‌واره و تحلیل سطح (مقدار) عادت‌واره. اینکه پژوهشگر در تحلیل عادت‌واره عاملان اجتماعی کدام یک از این اشکال را برگزیند، منوط به دو عامل مسئله و هدف پژوهش و میدان بررسی است. نتایج پژوهش درباره جایگاه منطق میدان در روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی بیانگر آن است که بررسی این مؤلفه در پژوهش‌های تجربی حوزه علوم اجتماعی ضروری است و باید بنا به هدف پژوهش قوانین مکتوب یا نامکتوب میدان‌های اجتماعی بررسی شود. البته با توجه به آنکه بخش تحلیل منطق میدان عنصری درون میدانی است، باید در سطح دوم روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی تحلیل شود.

در راستای جایگاه موضع‌گیری عاملان اجتماعی نیز نتایج نشان می‌دهد تحلیل این بخش در پژوهش‌های تجربی ضروری است؛ زیرا تحلیل موضع‌گیری و راهبرد عاملان اجتماعی در

میدان زمینه تبیین و تحلیل سرمایه مورد منازعه از سوی عاملان اجتماعی، تغییر سرمایه مورد منازعه، مطابقت موقعیت عاملان اجتماعی با موضع‌گیری آن‌ها و مطابقت سرمایه مورد منازعه و اهداف میدان را فراهم می‌آورد. از آنجا که نوعی مقاربت میان موضع‌گیری و ساختار میدان وجود دارد، این بخش باید در سطح دوم روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی بررسی شود. در زمینه تحلیل اهداف میدان نیز، نتایج بیانگر آن است که براساس اصل «توجه معرفتی یا شناختی یکسان به همه کارها و عملکردها» ضروری است تعیین اهداف میدان نیز در پژوهش‌های بوردیویی در نظر گرفته شود. البته از آنجا که بخش تعیین اهداف عنصری درون میدانی است، بهتر است تعیین اهداف میدان در سطح دوم این روش‌شناسی بررسی شود. در زمینه چگونگی رابطه منطقی تبیین و روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی نیز نتایج پژوهش نشان می‌دهد منطقی تبیین و روش‌شناسی ساختارگرایی تکوینی بر یکدیگر منطبق هستند و تنها نقطه شروع آن‌ها متفاوت است. به طوری که در تبیین، نقطه شروع سطح کلان است و نقطه پایان سطح خرد، اما در روش‌شناسی نقطه شروع سطح خرد است و نقطه پایان سطح کلان.

منابع

- اشرفی، اکبر و علی فلاحی سیف‌الدین (۱۳۹۱)، «واقع‌گرایی انتقادی، برون‌رفت از دوگانه پوزیتیویسم و هرمنوتیک»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۱۸: ۹-۴۶.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۷۵)، «جامعه‌شناسی و ادبیات؛ آموزش عاطفی فلوربا»، ترجمه یوسف اباذری، فصلنامه ارغنون، شماره ۹-۱۰، ۷۶-۱۱۲.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۶)، علم علم و تأمل‌پذیری، ترجمه یحیی امامی، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۸)، درسی درباره درس، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۰)، نظریه کنش؛ دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردی‌ها، تهران: نقش و نگار.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۵)، ساختارهای اجتماعی اقتصاد، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: مؤسسه عالی پژوهش‌های تأمین اجتماعی.
- پرستش، شهرام (۱۳۹۰)، روایت نابودی ناب، تحلیل بوردیویی بوف کور در میدان ادبی ایران، تهران: نشر ثالث.
- پرستش، شهرام (۱۳۹۳)، «ساختارگرایی تکوینی»، درآمدی بر روش‌شناسی مطالعات فرهنگی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی: ۴۵۵-۴۷۵.
- پرستش، شهرام و ساناز قربانی (۱۳۹۱)، «سرگذشت سیمین دانشور در میدان ادبی ایران»، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، شماره ۱: ۳۱-۵۲.
- تامسون، پاتریشیا (۱۳۸۹)، فیلد، در مایکل گرنفل، مفاهیم کلیدی بوردیو، ترجمه محمدمهدی لیبی، تهران: نشر افکار.
- جلابی‌پور، حمیدرضا و جمال محمدی (۱۳۸۷)، نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا، کلانتری، عبدالحسین و روح‌الله نصرتی (۱۳۹۴)، «بازار به‌مثابه میدان: تحلیل بوردیویی بازار با تأکید بر بازار سنتی تهران»، مطالعات جامعه‌شناختی، شماره ۱: ۹-۳۴.

- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵)، پی‌یر بوردیو، ترجمه لایلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۰)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۳)، نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه هوشنگ ناییب، تهران: نشر نی.
- سوئدبرگ، ریچارد (۱۳۹۱)، منفعت‌طلبی و ساختار اجتماعی: مباحثی در جامعه‌شناسی اقتصادی، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: نشر لوح فکر.
- طلوعی، وحید و محمد رضایی (۱۳۸۶)، «ضرورت کاربست ساختارگرایی تکوینی در جامعه‌شناسی ادبیات جامعه»، جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳: ۲۷-۳.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۹)، مقدمه، در مایکل گرنفل، مفاهیم کلیدی بوردیو، ترجمه محمدمهدی لیبی، تهران: نشر افکار.
- فرهمندنژاد، مهناز و مهدی عالی‌نژاد (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی معرفت‌شناسی پی‌یر بوردیو و مرتضی مطهری»، فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، شماره ۲: ۹-۳۹.
- کنوبلاخ، هوبرت (۱۳۹۰)، مبانی جامعه‌شناسی معرفت، ترجمه کرامت‌الله راسخ، تهران: نشر نی.
- گرنفل، مایکل (۱۳۸۹)، مفاهیم کلیدی بوردیو، ترجمه محمدمهدی لیبی، تهران: نشر افکار.
- لش، اسکات (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی پست‌مدرنیسم، ترجمه شاپور بهیان، تهران: نشر ققنوس.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، روش در روش؛ درباره ساخت معرفت در علوم انسانی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- نوابخش، مهرداد و امین کرمی (۱۳۹۵)، «مطالعه موقعیت میدان روشنفکری ایران و موضع آن در قبال فرایند دموکراتیک‌شدن فرهنگ انقلاب اسلامی»، مطالعات جامعه‌شناختی، شماره ۱: ۱۴۳-۱۶۴.

- نیومن، ویلیام لاورنس (۱۳۸۹)، *شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی*، ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر، جلد اول.
- واکوانت، لوئیک (۱۳۸۳)، *پی‌یر بوردیو*، در راب استونز، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
- Bottero, W., and Crossley, N. (2011), "Worlds, Fields and Network: Becker, Bourdieu, and Structures of Social Relations", **Cultural Sociology**, Vol. 5, No. 1: 99-119.
- Bourdieu, P., and Wacquant, Loic J. D (1992), **An Invitation to Reflexive Sociology**, Trans. UK: Polity Press, Vol. 3.
- Dumais, S. (2002), "Cultural Capital, Gender, and School Success: The Role of Habitus", **Sociology of Education**, Vol. 75, No. 1: 44-68.
- Engstrom, S., and Carlhed, C. (2014), "Different Strategies in Teaching Physics? Relationships Between Teachers' Social Economic and Cultural Capital and Strategies in Teaching Physics in Upper Secondary School", **Cultural Studies of Science Education**, Vol. 9, No. 3: 699- 728.
- Evert, J., Neu, D., Rahman, A., and Maharaj, G. (2015), "Praxis, Doxa and Research Methods: Reconsidering Critical Accounting", **Critical Perspective and Accounting**, No. 32: 37-44.
- Grenfell, M. (1996), "Bourdieu and Initial Teacher Education a Post-Structuralist Approach", **British Educational Research Journal**, Vol. 22, No. 3: 287- 305.
- Grenfell, M. (2009), "Applying Bourdieu's Field Theory: The Case of Social Capital and Education", **Education, Knowledge and Economy**, Vol. 3, No. 1: 17- 34.
- Grenfell, M., and James, D. (1998), **Bourdieu and Education; Acts of Practical Theory**, London: Falmer Press, Taylor and Francies.
- Kitchen, P. J., and Howe, D. (2013), "How Can the Social Theory of Pierre Bourdieu Assist Sport Management Research?" **Sport Management Review**, No 16: 123- 134.
- Lessard, C., Contandriopoulos, A. P., Beaulian, D. (2010), "The Role (Or Note) of Economic Evaluation At the Micro Level: Can Bourdieus Theory Provide Away Forward for Clinical Decision –Making?" **Social Science and Mediciene**, 70: 1984-1956.
- Savage, M., and Siva, E. B. (2013), "Field Analysis in Cultural Sociology", **Cultural Sociology**, Vol. 7, No. 2: 111- 126.
- Sieweke, J. (2014), "Pierre Bourdiue and Organization Studies- A Citation Context Analysis and Discussion of Contributious", **Scandinavian Journal of Management**, No. 30: 532-543.
- Thomas, L. (2002), "Student Retention in Higher Education", **J. Education Police**, Vol. 17, No. 4: 424- 442.

- Wang, H., and Wang, J. (2017), “The Effect of Habitus and Capital on Adoption Behavior of E-Commerce Information System: An Investigation of Digital Immigrants”, **Open Journal of Social Sciences**, No. 5: 110- 159.
- Zrim Martinjak, N. (2015), “Influence of Habitus and Practical Education on the Teachers Pedagogical Praxis”, **Croatian Journal of Education**, Vol. 17, No. 2: 191-204.